

درس خارج فقه حضرت آیت الله مسینی بوشهری (دامت برکاته)

تاریخ: ۲۸ بهمن ۱۳۹۷

مصادف با: ۱۱ جمادی الثانی ۱۴۴۰

جلسه: ۶۲

موضوع کلی: فصل فی شرائط الوضوء

موضوع جزئی: شرط دوازدهم؛ لزوم نیت

سال تحصیلی: ۹۸-۹۷

« الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین »

خلاصه جلسه گذشته

سخن در این بود که چرا در بین مقدمات نماز، فقط وضو جنبه عبادیت پیدا کرده است؟ عرض شد که بر این مطلب ادله‌ای اقامه شده است که در جلسات گذشته به پنج دلیل [اجماع، ارتکاز متشرعه، اصل بر تعبدی بودن هر واجب، آیات و روایات] در این رابطه اشاره شد و از بین ادله پنج‌گانه مذکور، فقط ارتکاز متشرعه مورد قبول واقع شد و نتیجه، این شد که دلیلی غیر از ارتکاز متشرعه بر عبادی بودن وضو وجود ندارد.

همان‌طور که قبلاً نیز عرض شد، مرحوم سید (ره) در شرط دوازدهم از شرائط وضو نوشته است: « النیة و هی القصد إلی الفعل مع کون الداعی أمر الله تعالی، إما لأنه تعالی أهل للطاعة و هو أعلى الوجوه أو لدخول الجنة و الفرار من النار و هو أدناها و ما بينهما متوسطات »^۱.

به نظر مرحوم سید (ره)، مقصود از نیت، قصد برای انجام کار با بودن انگیزه و داعی امر خداوند است [، یعنی چون خداوند امر فرموده است، شخص وضو را انجام می‌دهد] چون خداوند متعال اهل فرمان‌برداری و اطاعت است و این، بالاترین وجه از وجوه نیت است یا مکلف به قصد دخول در بهشت و نجات از جهنم که پایین‌ترین وجه از وجوه نیت است، امر الهی را انجام می‌دهد و آنچه بین نیت به قصد خوف از جهنم و طمع به بهشت و نیت به قصد اهلیت خداوند متعال برای طاعت باشد، متوسط است.

سوالی که مطرح می‌شود، این است که آیا اموری که در رابطه با نیت مطرح شد و عرض شد که نیت عبارت از قصد فعل به داعی امر الله است که اعلی وجه آن، اهلیت خداوند برای اطاعت و پایین‌ترین وجه آن دخول در بهشت و نجات از جهنم است، محقق عبادیتند، یعنی عبادیت با این امور محقق می‌شود یا اینکه اینها غایت برای عبادیتند، یعنی جنبه غائی بودن برای عبادت دارند؟ بین این دو، فرق وجود دارد، مثل اینکه گفته می‌شود که خداوند متعال اهلیت برای طاعت و بندگی دارد لذا اطاعت می‌شود و امرش امتثال می‌شود یا اینکه به دلیل دخول در بهشت و فرار از نار، او اطاعت می‌شود که طاعت و عبادت با اهلیت خداوند برای اطاعت و دخول در بهشت و فرار از نار تحقق پیدا می‌کند یا اینکه عبادت چیزی است و این موارد، غایت عبادیتند، یعنی عبادیت به قصد امر است و اهلیت خداوند برای طاعت و دخول در بهشت و فرار از جهنم جنبه غایت برای عبادت دارند.

توجه شود که این به دین اسلام اختصاص ندارد، بلکه در تمام ادیان الهی مطلب از همین قرار است چون افعال به دو قسم تقسیم می‌شوند که یک قسم از افعال، اعمالی است که لازم است که انسان آنها را بر وجه تذلل، تخضع و تشعع انجام بدهد و جامع آن،

۱. سید محمدکاظم، طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، ص ۲۳۷.

تعبد است. پس عملی که انسان انجام می‌دهد، گاهی فی حدّ ذاته طاعت است و قصد دیگری لازم ندارد، مثلاً اگر کسی «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر» یا «لا اله الا انت سبحانك انني كنت من الظالمين» بگوید، نفس همین گفتن، طاعت است و ضمیمه‌ای لازم ندارد، اما گاهی خود عمل فی حدّ ذاته طاعت نیست، بلکه نیاز به قصد دارد، مثل وضو که فی حدّ ذاته تذلل و تخشع نیست، بلکه نیاز به قصد دارد و از قبیل سجده نیست که خود سجده ذاتاً تذلل و تخشع است [در صورتی که آن تذلل و تخشع در برابر خداوند باشد، ولی اگر سجده در مقابل غیر خدا باشد، عبادت نیست]، بلکه از قبیل روزه است که نیاز به قصد امر دارد زیرا چه بسا امساک از خوردن و آشامیدن تحقق باشد، ولی بر وجه تذلل و تخشع نباشد لذا برای اینکه عبادت شمرده شود، باید با قصد امر انجام شود. اعمالی که به خودی خود جنبه عبادیت ندارند نیز بر دو قسمند که گاهی به قصد امتثال امر و گاهی به اعتبار محبوبیت انجام می‌شوند.

پس طاعتی که انسان به اعتبار اضافه و انتساب آن به خدا انجام می‌دهد، گاهی به قصد امر انجام می‌شود و گاهی به سبب اینکه جنبه محبوبیت دارد، انجام می‌شود، یعنی چون محبوب خداوند متعال است، انجام می‌شود.

البته دواعی و انگیزه‌های دیگری غیر از قصد امتثال و محبوبیت نیز برای انجام طاعت الهی وجود دارد که در عرض این دو نیستند، بلکه در طول این دو می‌باشند، مثل اینکه به نیت ادای حق پروردگار و شکر در مقابل نعمت پروردگار، عملی انجام شود یا اینکه انجام آن عمل موجب تخلص از دوری از خداوند یا موجب رسیدن به ثواب گردد که این دواعی در عرض قصد امر و محبوبیت نیستند، بلکه در طول آنها می‌باشند.

خلاصه اینکه کلام مرحوم سید (ره) مبنی بر اینکه نیت عبارت از انجام عمل به داعی امر الله است، بیانگر این است که انسان عمل را باید به قصد امتثال و محبوبیت انجام بدهد و سایر دواعی در طول این دو می‌باشند و در این صورت، بر عملی که انسان انجام می‌دهد، عبادت صدق می‌کند. حضرت امیرالمؤمنین امام علی بن ابی‌طالب فرموده است: «إِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ رَغْبَةً فَتِلْكَ عِبَادَةُ التُّجَّارِ وَ إِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ رَهْبَةً فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْعَبِيدِ وَ إِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ شُكْرًا فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْأَحْرَارِ»؛ گروهی از مردم خدا را به طمع بهشت عبادت می‌کنند، این نوع عبادت، عبادت تجار است [که به طمع سود معامله می‌کنند] و گروهی از مردم خدا را به خاطر ترس از جهنم عبادت می‌کنند، این نوع عبادت، عبادت غلامان است [که به خاطر ترس از مولی دستورش را اطاعت می‌کنند] و گروهی از مردم خدا را به خاطر تشکر و قدردانی از او عبادت می‌کنند [و نه به طمع بهشت یا ترس از جهنم] و این نوع عبادت، عبادت آزادمردان است.

تعبیر «شکراً» که در کلام امیرالمؤمنین (ع) آمده است، در طول قصد طاعت و محبوبیت است.

پس انگیزه‌ها و دواعی انسان برای انجام عمل، مثل طمع بهشت، فرار از جهنم و امثال آن، یک سلسله دواعی و غایات طولی می‌باشند که بر ذوات عمل مترتب نیستند، بلکه در طول آنچه به عنوان قصد امتثال و محبوبیت مطرح شد، می‌باشند.

«الحمد لله رب العالمين»